

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دیدگاه محقق عراقی

بحث در روایت علی بن محمد قاسانی است، عرض کردیم مرحوم شیخ می‌فرماید این روایت اظهر روایات باب در استصحاب است، در مقابل شیخ کلامی را از آخوند بیان کردیم و مورد مناقشه قرار دادیم. کلام دیگری را مرحوم محقق عراقی اعلی الله مقامه الشریف دارد در نه‌ایة الأفكار جلد چهارم صفحه 65، مرحوم عراقی هم فرموده ما از این روایت نمی‌توانیم استصحاب را استفاده کنیم، برای اینکه استصحاب در چنین موردی عنوان اصل مثبت را دارد، بیانش این است که اگر روزه بخواد برای ما واجب باشد متفرع بر این است که آن یوم الشک که ما شک داریم عنوان رمضان را دارد یا ندارد؟ به عنوان نهار رمضان باشد، به عنوان «کان» ناقصه، یعنی چه؟ یعنی یکنون هذا الیوم یوم رمضان. آن وقت با استصحاب شما می‌گوئید تا دیروز رمضان نبوده، امروز شک داریم که رمضان هست یا نه؟ می‌گوئید استصحاب می‌کنم همان حالت سابقه را. مرحوم عراقی می‌فرمایند ما اگر بخواهیم مسئله وجوب صوم را از استصحاب نسبت به آن یوم الشک دوم درست کنیم چون وجوب صوم عنوان مرتبط بر این است که این روز، روز رمضان باشد به عنوان کان ناقصه، و استصحاب اثبات نمی‌کند هذا من یوم رمضان، نسبت به یوم الشک آخر می‌گوئیم تا دیروز رمضان بوده، شک داریم که امروز رمضان هست یا رمضان نیست؟! ما نمی‌توانیم با استصحاب بگوئیم هذا یوم رمضان، اگر نتوانستیم این را بگوئیم فایده‌ای ندارد چون وجوب صوم متفرع است بر اینکه بگوئیم هذا یوم رمضان. لذا ایشان می‌فرمایند استصحاب در اینجا برای ما فایده‌ای ندارد، نه از این طرف اثبات می‌کند هذا یوم شعبان، نه از آن طرف اثبات می‌کند هذا یوم رمضان.

آنچه که هست این است که در یوم الشک اول می‌گوئیم تا دیروز که روزه بر ما واجب نبود، امروز شک می‌کنیم واجب است یا نه؟ در یوم الشک دوم می‌گوئیم تا دیروز روزه واجب بود و امروز شک داریم واجب است یا نه؟ استصحاب می‌کنیم وجوب را. نیازی نداریم به اینکه اثبات کنیم هذا الیوم یوم شعبان یا هذا الیوم یوم رمضان. ثانیاً باید خود ادله‌ی وجوب صیام را ملاحظه کنیم، ببینیم آیا از ادله‌ی وجوب صیام فقط استفاده می‌کنیم که وجوب صوم ظرفش یوم رمضان است یا اینکه نه، یوم رمضان به عنوان قید برای آن است. اگر ما از ادله استفاده کردیم یوم رمضان قید است، باید قید را احراز کنیم. تا مادامی که قید را احراز نکنیم فایده‌ای ندارد و حق با مرحوم محقق عراقی است، اما اگر استفاده کردیم یوم رمضان ظرف برای وجوب صیام است، عنوان قید را ندارد، اینجا فرمایش مرحوم محقق عراقی تام نخواهد بود.

بررسی احتمال دیگر در روایت

اینجا ما کلام آخوند را در مقابل شیخ گفتیم و رد کردیم. کلام دومی را هم ذکر کردیم که آن را هم رد کردیم، کلام مرحوم محقق

عراقی را هم بیان کردیم و مورد مناقشه قرار دادیم. در کتاب بحر الفوائد نوشته مرحوم شیخ در مجلس درس نسبت به این روایت یک احتمال دیگری هم دادند، فرموده مراد از یقین، یقین به تکلیف است. «الیقین لا یدخله الشک» یعنی شک داخل در یقین به تکلیف نمی‌شود، که نتیجه همین می‌شود که اشتغال یقینی برائت یقینیه لازم دارد. این احتمال را مرحوم شیخ در مجلس درس بیان کرده است.

اشکال این احتمال چیست؟ اشکالش این است که ما یوم الشک اول را هم بگوئیم روزه در آن واجب است، اگر بگوئیم این قاعده‌ی الیقین لا یدخله الشک در این روایت مراد یقین به تکلیف است بگوئیم اشتغال یقینی برائت یقینی می‌خواهد، پس ما آن روزی که نمی‌دانیم آخر شعبان است یا اول رمضان، چون اشتغال یقینی برائت یقینی می‌خواهد برای اینکه یقین به برائت پیدا کنی باید روزه بگیری، لازمه‌ی این تفسیر وجوب صوم یوم الشک اول است و لم یقل به احد، هیچ کس چنین فتوایی نداده است.

دیدگاه مختار

در مجموع به نظر می‌رسد این روایت آنطوری که مرحوم شیخ فرموده که اظهر روایات در باب استصحاب است این چنین نیست که اظهر باشد. نمی‌دانید باید از امروز شروع کنید یا از فردا؟ برای اینکه یقین پیدا کنید که تکلیف‌تان انجام شده باید از امروز شروع کنید. بسیاری از احتمالات با دو تفریعی که در روایت آمده سازگاری ندارد.

پس برای شما روشن شد تا اینجا که این روایت اظهر نیست. امام رضوان الله تعالی علیه همین اشکال را دارند، مرحوم والد ما هم همین اشکال را دارند و هر دو فرمودند چه بسا صحیح‌ه‌ی اولای زراره اظهر از همه‌ی روایات باشد. به نظر ما می‌رسد که صحیح‌ه‌ی ثانیه اظهر باشد، چون در صحیح‌ه‌ی اول «فإنه علی یقین من وضوئه» داشت و شبهه‌ای بود که مورد خصوصیت داشته باشد ولی در صحیح‌ه‌ی ثانیه ظاهراً این قید نبود. باز خودتان مراجعه کنید به روایات قبلی، ما وقتی روایات دوم را بحثش را تمام کردیم گفتیم این روایت اظهر از روایت اولاست.

اما اصل دلالت روایت بر استصحاب به قرینه‌ی این دو تفریعی که در اینجا آمده ثابت می‌شود، سائل (علی بن محمد قاسانی) می‌گوید من سؤال کردم یوم الشک چکار کنیم؟ عن الیوم الذی یشک فیه أنه من رمضان، آیا صوم واجب است یا نه؟

اینجا یک بحث این است که این علی بن محمد سؤال از یوم الشک اول کرده یا از یوم الشک دوم یا از هر دو، خود همین هم برایش سه احتمال وجود دارد، ولی ظهور در این دارد که بیشتر هم نسبت به یوم الشک اول سؤال می‌کند، از آن روزی که نمی‌دانیم آیا رمضان هست یا نیست، آیا شروع کنیم؟ یعنی سؤال از وجوب شروع روزه است، امام می‌فرمود الیقین لا یدخله الشک، اگر همین مقدار بود حرف آخوند درست بود، می‌گفتیم در باب روزه تا مادامی که یقین پیدا نکردید فایده ندارد، می‌بردیم مثل روایات دیگر معنا می‌کردیم ولی این دو تفریعی که اینجا وجود دارد خصوصاً تفریع دوم، صم للرؤية و افطر للرؤية، که هر دو در یک سیاق واحد است و فرقی بین اینها نیست! یعنی وحدت سیاق هم اقتضا می‌کند هر دو بر یک پایه استوار است، افطر للرؤية یعنی تا مادامی که ماه شوال را ندیدی همینطور روزه را بگیر، این به معنای استصحاب است، استصحاب وجوب صیام است، یعنی یقین دارم به وجوب، یقین دارم به اینکه رمضان است، باید روزه بگیرم تا مادامی که ماه شوال رؤیت نشده ادامه پیدا می‌کند چون دومی هیچ محملی غیر از استصحاب ندارد.

اگر ما بودیم و صم للرؤية، ظهورش در همان روایاتی که آخوند فرمود که در باب وجوب صوم یقین به رمضان لازم است، ظهور خیلی روشنی دارد، یعنی من تا مادامی که ماه را نبینم و یقین نکنم به اینکه رمضان است لازم نیست روزه بگیرم. صم للرؤية بلا اشکال ظهور در همان روایات دارد.

ما یک وقت در روایات دیگر داشتیم یقین لا ینقض بالشک بعد در ادامه فرموده و لا یدخل الشک فی الیقین و لا یخلط أحدهما بالآخر، آنها قرینه می‌شدند بر اینکه عطف تفسیری بودند، هر کدام بر دیگری قرینه می‌شد، اما ما اینجا فقط باید الیقین لا یدخله الشک را معنا کنیم، یعنی سائل می‌گوید من شک دارم که امروز رمضان است روزه بگیرم یا نه؟ امام می‌فرمایند الیقین لا یدخله الشک، شک یقین را از بین نمی‌برد تو باید یقین پیدا کنی رمضان است تا روزه بگیری، چطور یقین پیدا می‌کنی؟ صم للرؤية، با رؤیت. که دیروز عرض کردیم این رؤیت موضوعیت ندارد و بحث‌هایی است که جای خودش است. ما اینطور که پیش می‌رویم می‌گوئیم الیقین لا یدخله الشک کبراست، همین الیقین لا یدخله الشک کنایه از این است که رمضان نیاز به یقین دارد، شک جای او نمی‌نشیند، شک داخل در او نمی‌شود، یعنی اگر شما یقین پیدا کردید احکام می‌آید شک جای یقین نمی‌نشیند، چطور یقین پیدا کنیم؟ صم للرؤية. اگر ما بودیم و این قسمت، همینطور معنا می‌کردیم تمام می‌شد و فرمایش آخوند به کرسی می‌نشست، همه‌ی مسائل این است که این افطر للرؤية قرینیت پیدا می‌کند، افطر للرؤية قرینه می‌شود که صم للرؤية به این معناست که شما تا مادامی که یقین دارید به اینکه هنوز شعبان است و رؤیت هلال رمضان نشده بنا را بر همان یقین بگذارید آن وقت هر دو تفریع می‌شود برای الیقین لا یدخله الشک و آن یقین را هم تفسیر می‌کند، یعنی اینجا فرع دوم فقط می‌آید هم فرع اول را و هم کبرا را و کلمه‌ی یقین را تفسیر می‌کند به همان معنایی که حمل بر استصحاب بشود.

درباره‌ی علی بن محمد قاشانی در کتب رجال ما یک علی بن شیره داریم، یک علی بن محمد بن شیره قاشانی داریم، من این را از نقد الرجال تفرشی می‌گویم، کتاب خوبی است؛ می‌گوید اولاً علامه از شیخ نقل کرده که شیخ گفته این دو تا از اصحاب امام جواد(ع) هستند و بعد می‌گوید این سهو قلمی شده از مرحوم علامه، یعنی علامه از شیخ نقل می‌کند که شیخ گفته این دو از اصحاب امام جواد هستند، می‌گوید نه! هر دوی اینها از اصحاب امام هادی هستند، هم علی بن شیره و هم علی بن محمد بن شیره قاشانی از اصحاب امام هادی هستند، آن وقت بحث در این است که اینها دو نفر هستند یا یک نفر؟ علی بن شیره در رجال شیخ طوسی آمده علی بن شیره ثقة من اصحاب الهادی، بعد خود شیخ می‌گوید علی بن محمد القاشانی ضعیف اصبهانی، علامه خودش در خلاصه می‌گوید این دو تا یک نفر هستند، برای کلام خودش شاهی می‌آورد از کلام نجاشی، صاحب نقد الرجال هم می‌گوید به نظر ما اینها یک نفرند، صاحب قاموس الرجال هم می‌گوید اینها یک نفرند، فقط مرحوم آقای خوئی می‌گوید اینها دو نفرند. قرائن نشان می‌دهد که اینها یک نفرند و ما دو نفر نداریم، یک نفر هستند از اصحاب امام هادی(ع) هم هست. هر چند در بعضی از کتب رجال به امام رضا هم نسبت داده شدند، ولی یک نفر هستند و از اصحاب امام هادی است. آن وقت این قاشان یا همین کاشان اصفهان است و یا قاشان سمرقند. اگر ما بگوئیم دو نفرند باز بگوئیم یکی‌شان مال سمرقند و دیگری مال اصفهان است ولی چون ظاهرش این است که یک نفر است، این یک نفر هم از اصحاب امام هادی است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين